

خسرو فرشیدورد و ادبیات پایداری معاصر

امید مجد

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران^۱

هادی درزی رامندی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

(از ص ۶۱ تا ۸۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۹، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۶/۳۰

چکیده

ادبیات پایداری از یک منظر، نامی است که عمر زیادی از پیدایش آن نمی‌گذرد و به شعرهایی اطلاق می‌شود که دربارهٔ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس سروده شده‌اند. شعرای زیادی در زمرهٔ شاعران این نوع شعر قرار دارند که در کتاب‌ها و دائرةالمعارف‌های متناسب، نامشان ذکر شده است. این مقاله در صدد اثبات این نکته است که خسرو فرشیدورد، یکی از پیشاهنگان مبارزه با رژیم دژخیم ستم‌شاهی بوده است؛ کسی که خود در زندان مخوف آن نظام در دههٔ چهل به حبسیه‌سرایایی پرداخته و یکی از شیواترین حبسیه‌های معاصر را به گنجینه‌های ادب پارسی افزوده است (غزلی با مطلع ستم کشیده زندان شام ای یاران/ وطن پرستی و تقوا گناه ای یاران)، کسی که سابقهٔ شعرسرایایی او در مبارزه با نظام طاغوت به سال ۱۳۴۰ بازمی‌گردد و در مهر ۱۳۵۷ آن‌ها را به چاپ زیرزمینی و در ۱۳۵۸ به چاپ آشکار رسانده است. همچنین کتاب شعر او در زمینهٔ جنگ تحمیلی به تاریخ مهر ۱۳۵۹ نشان‌دهندهٔ پیشگامی وی در این دو زمینه است.

واژه‌های کلیدی: خسرو فرشیدورد، ادبیات پیش از انقلاب، ادبیات بعد از انقلاب اسلامی، مضمون، شعر انقلاب، شعر جنگ.

۱- مقدمه

۱-۱- زندگی و آثار علمی

خسرو فرشیدورد در پانزدهم دی ۱۳۰۵ هـ ش در شهر ملایر دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش پشت سر گذاشت و برای ادامه تحصیل به دبیرستان البرز تهران رفت. در ۱۳۲۹ لیسانس زبان و ادبیات فارسی و در ۱۳۳۸ فوق لیسانس همان رشته را از دانشگاه تهران دریافت کرد و در ۱۳۴۲ به دریافت درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی نائل شد. از مهم‌ترین تألیفات او می‌توان به کتب دستور مفصل امروز، درباره ادبیات و نقد ادبی، دستور مختصر تاریخی زبان فارسی، مسئله درست و غلط، نگارش و پژوهش در زبان فارسی و ... اشاره کرد.^۱

۱-۲- مجموعه‌های شعر

از فرشیدورد سه اثر شعری به یادگار مانده است که عبارت‌اند از: مجموعه شعر حماسه انقلاب که در مهر ۱۳۵۸ به چاپ رسیده است و اشعار انقلابی و مبارزه‌طلبانه او را با رژیم منحوس پهلوی از سال ۱۳۴۰ تا زمان چاپ اثر در برمی‌گیرد؛ مجموعه شعر «ز میهنت دفاع کن» که در سال ۱۳۵۹ به زیور طبع آراسته شده است و دربرگیرنده اشعاری در تحریض و تشویق جنگاوران و مردم غیور ایران در دفاع و پاسداشت از خاک پاک ایران است و دفتر سوم، موسوم به «صلای عشق» است که انتشارات امید مجد آن را در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسانده است و شامل منتخب اشعار وی همراه با غزل‌هایی ناب از استاد است.

۱-۳- نگاهی به شعر شاعران انقلاب و مقایسه اجمالی درباره آن

برای بررسی و واکاوی شعر انقلاب ناگزیریم شعر جنگ را نیز بررسی کنیم. معمولاً شعر جنگ را به سه دوره «جوانه‌های شعر جنگ»، «دوره تجرد و درونی شدن» و «دوره شعر جنگ بعد از خاتمه جنگ» تقسیم می‌کنند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۷). برای آنکه ما با حال و هوای شاعران دوره اول جنگ بیشتر آشنا شویم و بتوانیم شعر این دسته را با اشعار فرشیدورد^۲ مقایسه کنیم، شعر یکی از مشهورترین شعرای این دوره را بررسی می‌کنیم؛ حسن حسینی یکی از شعرای این دوره است که غزل‌های داغ و آتشین او در آغاز جنگ تحمیلی، شور و هیجانی خاص به جنگاوران جبهه‌های حق علیه باطل می‌بخشید. مجموعه شعر «هم‌صدا با حلق اسماعیل»، دربرگیرنده غزل‌ها، رباعی‌ها و اشعار نو است که در دوازده فروردین ۱۳۶۳ برای نخستین بار چاپ شده است. این مجموعه شامل سه

فصل است: فصل نخست، «سروده‌های سحرزاد» که گزیده اشعار پس از انقلاب اسلامی است؛ فصل دوم، «شب سروده‌ها» که گزیده‌ای از سروده‌های پیش از انقلاب است و قدیمی‌ترین شعر آن به تاریخ دی ۱۳۵۵ تعلق دارد و فصل سوم، شامل دفتر رباعی است. او با بهره‌گیری از تشبیهات زیبا و نوآورانه و بیان صریح و استفاده از آیات قرآن و تلمیحات مذهبی و ترسیم صحنه‌های جنگ و وداع رزمندگان با خانواده‌های خویش، به غزل‌های خود رنگ و بویی خاص بخشیده است.

ذوالجناح رزم را گاه سحر زین می‌کنم می‌روم آنجا که نای نینوا می‌خواندم
یا علی گویان سرود لاتخف سر می‌دهم کز نجف آنک علی مرتضی می‌خواندم
(حسینی، ۱۳۶۳: ۳۱)

از جمله تمایزهای ظاهری در کار حسینی با اشعار فرشیدورد، برجستگی آشکار و صریح اشعار حسینی در واژگان شهادت، انقلاب، امام، اسلام، شهید و ... است؛^۳ به گونه‌ای که بیشتر اشعار او مزین به ترجمه آیات قرآن کریم (مثلاً شعر کبریت در قلمرو خورشید) و یا با عنوان‌هایی چون «تقدیم به»، «برای ...»، «با یاد...» و ... به بزرگانی از انقلاب و دفاع مقدس تقدیم شده‌اند؛ از جمله، شعر «کوثر» با یاد شهیدان رجایی و باهنر، «زمزمه جاوید خون» در سوگ شهید آیت‌الله دستغیب، «ای هم‌چو سربداران» برای چریک شهید عباس پالیزگیر و دیگر شهیدان گمنام سوسنگرد، «مثنوی عاشقان» با یاد شهید عاشق: ماشاءالله سرهنگی، «مردی از تبار شرف» برای شهید سید علی اندرزگو، «پنج سرود» به یاد شهید جمشید بروجردیان دلاور...، «اعجاز» به پاس حماسه دو بسیجی دربند و ...

مهم‌ترین تفاوت این غزل‌ها با دو دفتر شعر خسرو فرشیدورد، یعنی حماسه/انقلاب و ز میهنت دفاع کن، در زبان و نحوه به‌کارگیری عناصر مذهبی و تلمیحات قرآنی و دینی است. مجموعه حماسه/انقلاب چون دربرگیرنده اشعاری از سال ۱۳۴۱ تا زمان چاپ اثر (۱۳۵۸) است، در میان اشعار انقلابی و جهادی، از لحاظ تلمیحات مذهبی، اقتباس، تضمین قرآنی، تصاویر خیال‌انگیز و ترکیب‌آفرینی در قیاس با اشعار دوره نخست جنگ اندکی کم رنگ است. دلیل این سبک هنری، احتمالاً به طرز فکر شاعر باز می‌گردد؛ چون وی بارها در مقدمه دفترهای شعر خود به انتخاب زبان ساده به جای زبان پیچیده و غامض اشاره کرده است. نکته دیگر اینکه باید به خاموشی استاد بعد از چاپ ز میهنت دفاع کن در سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۸۰ یعنی سال انتشار مجموعه شعر سوم صلا‌ی عشق اشاره کرد. یقیناً اگر فرشیدورد در دهه شصت یا هفتاد اشعاری منتشر می‌کرد، در

بهره‌گیری از تلمیحات و عناصر مذهبی و زبان خیال‌انگیز به مراتب از دو مجموعه شعر پیشین پررنگ‌تر و به عبارت دیگر، در سه عنصر بر شمرده شده برای شعر انقلاب، یعنی امام، شهدا و جنگ^۴ برجسته‌تر می‌نمود. شاید یکی از دلایل گمنامی این شاعر در میان خیل شعرای انقلاب، استمرار نداشتن شعرسرایی او بعد از دهه شصت است تا بتواند او را در قطار شعرای انقلاب تثبیت کند. دلیل دیگر، شاید شعر نگفتن وی برای وقایع مهم دهه شصت، از قبیل انفجار دفتر ریاست جمهوری و شهادت ۷۲ تن از یاران باوفای امام و امت بوده است که در شعر سایر شعرا نمود ویژه‌ای داشته است. در کل باید افزود که دهه شصت، دهه افزایش تعداد شعرای نسل جوان انقلاب است، به‌ویژه شعرای جوانی که با بهره‌مندی از تجربه شعرای نسل اول انقلاب، به جرگه شعرای انقلاب اسلامی پیوستند و برخی از آن‌ها حتی توانستند با مجموعه‌های درخشان خود، از شعرای نسل اول انقلاب نیز پیشی بگیرند. به هر حال، نقش پررنگ تأثیر دو مجموعه شعر فرشیدورد، به عنوان طلایه‌دار شعر انقلاب (خواه دیگران بپذیرند، خواه نپذیرند) بر کاروان شعرای انقلابی بعد از او مبرهن و واضح است.

شاید بتوان گفت یکی از دلایل موفقیت فرشیدورد در شعر، رعایت اصل وضوح در کار شاعری است. وی بدون استفاده از هیچ ابزار و نشریه و دستگاهی که مکرر نام او را بر زبان‌ها براند، توانست به موفقیت دست یابد؛ چنان‌که خود می‌نویسد: «...برخی از اشعارم به افغانستان و امریکا هم سفر کردند و در آن سامان به صورت ترانه درآمدند یا از رسانه‌ها پخش شدند» (۱۳۸۰: ۱۲). باری، اصل وضوح در کار شاعری چندان مهم و چشمگیر است که از چشم خود شاعر نیز پوشیده نمانده و در مقدمه آخرین مجموعه شعرش که در سال ۱۳۸۰ منتشر کرده است، بارها بر این اصل تأکید می‌کند و در ضمن معرفی شعر معاصر مقبول او با عنوان «شعر سنت‌گرا» می‌نویسد: «از مسائل عمده‌ای که برای شعر سنت‌گرا ذکر کردیم، وضوح و روشنی و فصاحت و موسیقی مهم‌ترین آن‌هاست که این گوینده، آن‌ها را در سروده‌های خود مراعات نموده است» (همان: ۱۶).

۴-۱- ویژگی‌های شعر خسرو

برای بررسی ویژگی‌های شعر خسرو که جزو نخستین دسته شعرای انقلاب اسلامی است، ابتدا به ویژگی‌های نخستین سروده‌های دفاع مقدس نظر می‌افکنیم که در کتاب نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس آمده است:

«۱- بهره‌گیری گسترده از قالب‌های نیمایی ۲- انتخاب زبان روایی ۳- بلند و طولانی بودن سروده‌ها ۴- غلبه زبان رجز و شعار ۵- بهره‌گیری کمتر از زبان تصویر و نیز آرایه‌های بدیع ۶- حضور روشن فرهنگ اسلام و انقلاب ۷- تلفیق رقیق نمادهای ملی با نمادهای دینی و مذهبی (مانند کاوه، سیاوش، درفش و ...)» (سنگری، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۰).

در توضیح ویژگی اول و سوم باید افزود برخلاف تصور و ذهنیت گسترده درباره فرشیدورد که او را مخالف با هر نوع شعر نو نیمایی می‌داند و برخلاف نتیجه غالب بسیاری از مقدمه کتاب‌ها و مقالات شاعر، او در مجموعه‌های خود اشعار نو را با موضوعات مختلف، به ویژه با درون‌مایه ادب پایداری سروده است. در مجموعه شعر ز میهنت دفاع کن؛ شعر «ما جنگ می‌کنیم»، «ز میهنت دفاع کن»، «من کار می‌کنم»، «فریدون قصه پوچیست» و در مجموعه شعر حماسه انقلاب؛ شعر «دیدنی بهار شد»، «شعر انقلاب»، «سرود جنگاوران»، «شقایق‌های جمعه سیاه»، «ای پاسدار شب» و «صف گلگون شهادت» در قالب شعر نو و با حجم چند صفحه سروده شده‌اند. روشن است که این اشعار ویژگی‌های دوم و چهارم را نیز دارا هستند.

ویژگی پنجم را می‌توان با پوشش «سادگی و صمیمیت» در این اشعار توضیح داد؛ شعر فرشیدورد سرشار از سادگی و صمیمیتی جاندار است. خود او از این ویژگی اشعارش به شعر «خلقی و مردمی» تعبیر می‌کند و چون معتقد است مقتدایان وی فردوسی، سعدی، ایرج، نسیم شمال، فرخی یزدی، افراشته، عارف و عشقی بوده‌اند (فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۵)؛ پس او نیز باید شاعر مردم باشد، نه شاعر ستمگران و بیکاران و شبه روشنفکران. او دو ویژگی را برای شعرهای خلقی و مردمی برمی‌شمارد: «۱- ساده و روشن و قابل فهم است نه مبهم و رمزی و کنایی ۲- دارای موضوع‌های ضد استعماری و پرخاش جویانه و افشاگرانه است» (همان‌جا).

ویژگی ششم در این دو بیت به روشنی دریافت می‌شود:

عقاب پیر سفر کرده از سفر آمد پرنده‌ای که بود از تبار آزادی
(فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۲۶)

رخشنده گشت اختر ما آفتاب ما بر پا شد انقلاب نو و انفجار نو
(همان، ۲۸)

ویژگی هفتم نیز در اشعار او برجستگی خاصی دارد؛ از جمله ترکیبات «کاوه دلیر» و «ضحاک مار دوش» در شعرهای «سرود جنگاوران» و «شمر و ابن سعد» و «شهادت حسین‌وار» در شعر ما جنگ می‌کنیم، نمونه‌ای از آمیزش فرهنگ اسلامی و ایرانی در

این اشعار هستند. با توجه به انطباق تمامی این ویژگی‌ها با اشعار خسرو جای تعجب دارد که مؤلفان کتب نقد و بررسی آثار دفاع مقدس و ادب پایداری نام وی را در هیچ یک از گروه‌های شعرای قبل از انقلاب، بعد از انقلاب، قصیده‌سرایان، غزل‌سازان و شاعران شعر نو انقلاب یاد نکرده‌اند! (برای نمونه بنگرید به سنگری، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۰-۲۱ و تندرو صالح، ۱۳۸۲: ۱۱۷).^۵ ویژگی دیگر که در اشعار فرشیدورد دیده می‌شود، استفاده از وزن‌های حماسی و پرشکوه است؛ در این نوع اشعار که معمولاً با هدف تحریض و تشویق جنگاوران و شیران غرآن ایران برای دفاع از وطن و خاک میهن سروده شده است، شاعر اصل تناسب ماده شعر با موسیقی و عروض را رعایت کرده که نتیجه آن، شعری پخته، جذاب، گیرا و حماسی است:

بحر متقارب مثنی سالم:

سرافراز سرباز ایـران زمیـنم	من آن شیر غران سنگر نشینم
(فرشیدورد، ۱۳۵۹: ۴۵)	
زهی خلق پیروز و جنگاور ما	خوشا کشور قهرمان پرور ما
(همان، ۵۰)	

بحر متقارب مثنی محذوف:

به شـیران غـرآن ایـران درود	به جنگـاوران و دلیـران درود
به گردون نورد بلند اختری	که لرزاند بغداد و عمان درود
(همان، ۴۴)	

بحر هزج: دلاور دلاوران / بتاز بر ستمگران / بسوز خانمان تازیان / درون سنگر شرف بمان / ز میهن
دفاع کن... (همان، ۴۶).

۱-۵- مضامین شعر خسرو

۱-۵-۱- وطن پرستی یا میهن دوستی: آن چنان که این مضمون موتیفی عمده در اشعار ملک‌الشعرا بهار، عارف قزوینی، میرزاده عشقی و ... است، در اشعار خسرو نیز این مضمون بازتابی گسترده و پررنگ دارد. اشعاری که از این مضمون برخوردار شده‌اند، اشعاری ناب و با رنگ و بوی خاص هستند و به نوعی حس شفقت و سوزش دل را در جان انسان زنده می‌کنند؛ گویا که بر جان خواننده آتش می‌زنند:

عمرم تباه شد به ره میهن عزیز	هستم ولی به دیده اهل وطن غریب
(فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۲۳)	

ای میهن دیرین ما بدرود بدرود
ای خانه عشق و وفا بدرود بدرود
(همان: ۲۲)

۱-۵-۲- دفاع و پاسداشت از میهن (وطن دوستی)

«در شعر دفاع و پایداری ایران، موضوع وطن دوستی سابقه‌ای بسیار شفاف دارد. تطابق اندیشه‌های دینی و ملی با طرح روایت «حبّ الوطن من الایمان» از قول شارع مقدس دین اسلام سبب شد تا ایرانیان در چشم‌انداز عشق به میهن آرمان‌های دینی را مدنظر قرار دهند» (کاکایی، ۱۳۸۵: ۶۸).

این مضمون با حمله تازیان به خاک پاک ایران در اشعار خسرو و به‌ویژه در دفتر شعر ز میهنت دفاع کن تجلی خاصی می‌یابد. شاعر سعی می‌کند تا تمام فکر و ذهن و زبان خود را در تحریک و تحریض جنگاوران و غیوران ایرانی در پاسداشت از خاک ایران به کار برد:

ای خلق به پا خاسته مردانه بجنگید
با دشمن این خانه و کاشانه بجنگید
(فرشیدورد، ۱۳۵۹: ۸۰)
این خانه فشنگ است ولی خانه من نیست
این خاک چه زیباست ولی خاک وطن نیست
(همو، ۱۳۸۰: ۲۱)

۱-۵-۳- عشق به زن خوب ایرانی؟ او عاشقانه‌های دفتر خویش را با تعبیر «شعرهای عاشقانه شبه عرفانی» می‌خواند و درباره آن‌ها می‌نویسد:

«این اشعار حکایت از عشق‌های امروزی دارد؛ یعنی از جذبه‌هایی که بر پایه احساسات دو جانبه و میل به جفت‌جویی است، از عشق‌هایی سخن می‌گوید که عاشق برای خویشتن شخصیت قائل است، از عشق‌هایی که عاشق تا بی نهایت جور و جفای معشوق را تحمل نمی‌کند، از عشق‌هایی که دل‌داده خود را سگ دلدار نمی‌داند» (همان: ۱۷).

به اعتقاد او هر زنی شایسته ستایش نیست و شعر خوب خود را به ستایش هر زنی نمی‌آلاید (فرشیدورد، ۱۳۸۰: ش). غزل «گل پندارها» و «چشمه عشق و تمنا» و ... نمونه‌هایی از غزل‌های بسیار لطیف و زیبا و به اصطلاح او «غزل نو آبدار» او هستند (همان: ۷۰-۷۱).

ای ماهرویان سیه چشم گل‌اندام
جان من و جان شما بدرود بدرود
ای دختر همسایه، ای معشوق خورشید
من می‌پرستیدم تو را بدرود بدرود
(همان: ۲۲)
از حسرت لبان چو جام شراب تو
از چشم لاله‌ها همه خوناب می‌چکد

غرقم به کام عشق تو ای جویبار ناز مانند قطره‌ای که به گرداب می‌چکد
(همان، ۷۰)

۱-۵-۴- دعوت به قیام و خیزش علیه ظلم و فساد حاکم: این مضمون در تمامی دفاتر شعر او، به‌ویژه دو دفتر *حماسه انقلاب* (چاپ مهر ۵۸) و *ز میهنت دفاع کن* (چاپ ۵۹) فراوان دیده می‌شود؛ گویا مبارزه با جور حاکم و دستگاه طبقاتی فاسد، تمام وجود شاعر را فراگرفته است؛ البته بسیاری از این اشعار متعلق به سال‌های پیش بوده و در نخستین مجال چاپ منتشر شده‌اند؛ به عنوان مثال، شعر «انقلاب خونین» در بهار ۱۳۴۸ سروده شده و در مجموعه *حماسه انقلاب* آمده است:

بیا کنیم به پا انقلاب خونینی بیا که خون به دل خصم نابکار کنیم
(فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۶۵)

یا در شعر «بپا خیز» سروده پاییز ۱۳۵۰:

تا چند کُشد شاه جوانان وطن را تا چند کِشی زجر ز دربار بپا خیز
(همان، ۸۱)

یا در شعر «انقلاب کنیم» سروده زمستان ۱۳۵۰:

بیا برای رضای خدا بپا خیزیم بیا برای دل خلق انقلاب کنیم
(همان: ۷۹)

۱-۵-۵- مبارزه با استعمار و استبداد: او معتقد است که شعر برای وی سلاح مبارزه است: «من سلاحی برای مبارزه می‌خواهم و این اشعار برای من سلاح مبارزه‌اند. حربه نبردند بر ضد فساد و استبداد و استعمار. این‌ها فریادهایی هستند که برای برانگیختن مردم به حرکت و جنبش و انقلاب و سازندگی...» (همان: ۹). در قصیده «ای سرزمین خوار» سروده آذر ۵۷ شاعر تعبیر «سرزمین خوار» را معادل امپریالیست و استعمارگر قرار داده و با ردیف ساختن این واژه، قصیده بلندی در مذمت و نکوهش آن ساخته است:

ای جغد شوم ای گرگ هار ای سرزمین خوار شرمی کن از پروردگار ای سرزمین خوار
(همان: ۲۹)

ای کاش می‌شد غول استعمار را کشت می‌شد به شهر صلح و آزادی سفر کرد
(همو، ۱۳۵۹: ۵۶)

دیو ظلم و ستم و استعمار عاجز و خسته جگر خواهد شد

کاخ سر بر فلک استبداد عاقبت زیر و زبر خواهد شد

(همان، ۵۶)

۱-۵-۶- آرزوی نیل به صلح و آزادی: این آرزو در تمامی اشعار قبل از انقلاب شاعر تبدیل به یک درون‌مایه و مضمون گسترده شده است. با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی شاعر به یکی از آرزوهای دست نیافتنی خود رسیده است؛ بنابراین، در غزلی سرودهٔ اسفند ۵۷ واژهٔ «آزادی» را ردیف قرار داده است و از معالی و مناقب آن داد سخن می‌دهد:

بیا که چلچله‌ها می‌دهند مژدهٔ فتح بیا که آمده اینک بهار آزادی

(همو، ۱۳۵۸: ۲۶)

یا در غزلی دیگر از سرآمدن روزگار کهن و آغاز روزگار و بهار نو سخن می‌گوید و برای شاعران نیز وظیفه‌ای نو ترسیم می‌کند:

لیخند زد به میهن ما روزگار نو فرخنده باد بر همه عید و بهار نو...

دیگر غزل برای پری‌چهرگان مساز برگو برای ما غزل آبدار نو

(همان، ۲۸)

کاش لبخند زند دختر آزادی و صلح کاش پیروز شود لشکر آزادی و صلح

(همو، ۱۳۸۰: ۳۳)

۱-۵-۷- مرثیه‌گویی برای بزرگان صلح و امنیت جهان از قبیل برتراند راسل، جواهر لعل نهرو و جمیله بوپاشا و ... این وظیفه‌ای است که فرشیدورد برای شاعر متعهد اجتماع‌گرا فرض کرده است و چون خود را شاعر متعهد و مردمی می‌نامد وظیفه موکد خود می‌داند که برای بزرگان صلح و امنیت و فضیلت در جهان ناله و سوگواری کند (۱۳۵۸: ۴).

۱-۵-۸- حبسیه‌سرایی: حبسیه‌سرایی، مضمونی است که در تاریخ ادبیات فارسی، سرایندگان شهرهٔ آن از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کنند؛ سرایندهٔ مشهور این مضمون در ادبیات کلاسیک مسعود سعد سلمان، خاقانی و... و در ادبیات معاصر خسرو فرشیدورد و... هستند. دلیل توفیق خسرو فرشیدورد نیز علاوه بر تجربهٔ زندان، داشتن قلم شیوا و زبان ساده و صمیمی است. دو شعر زیر که با فاصلهٔ ده ساله (اولی در آبان ۴۷ و دومی در آبان ۵۷) سروده شده‌اند، در این زمینه مشهورند:

شکنجه دیدهٔ زندان شام ای یاران وطن پرستی و تقوا گناهم ای یاران...

قسم به ذات خدا نیست جای من زندان چرا که من نه وزیرم نه شام ای یاران

(فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۶۷)

به خون می‌نویسم سرود ظفر را به دیوار زندان هراسی ندارم
(همان، ۴۸)

۱-۵-۹- نقد تند و هجو صریح از شخص شاه: این ویژگی، یعنی نقد شاه و وزیران و دستیارانش در اشعار خسرو به طور مکرر دیده می‌شود، اما او در چند شعر به صورت اختصاصی به هجو و نقد تند شخص شاه پرداخته است؛ از جمله در مثنوی «جشن دو هزار و پانصد ساله» سروده مهر ۱۳۵۰:

پیش چشم خلق لخت و بینوا کرد جشنی نامبارک را به پا
جشن یغما کردن اموال خلق جشن غافل ماندن از احوال خلق
نام شومت سال‌ها ماند بجا در کنار نام طاعون و وبا...
(همان: ۷۸)

همچنین در شعر «ای کاش بر ما اهرمن فرمان نمی‌راند»، سروده پائیز ۱۳۵۱ و دو قصیده «بزرگ آدمکشان» با ردیف «ای شاه» سروده شهریور ۵۷ و «گریز دشمن» سروده آذر ۵۷ با صراحت تمام از جنایت و فرار شاه سخن به میان می‌آورد (همان: ۶۹-۷۰).

۱-۵-۱۰- مرثیه و یادکرد از شهیدان راه پیروزی: فرشیدورد از جمله شعری است که برای شهیدان انقلاب در قبل از پیروزی جمهوری اسلامی در قالب‌های مختلف غزل و قصیده و شعر نو طبع آزمایی کرده است. این مضمون بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی نیز در اشعار او دیده می‌شود؛ از جمله غزل زیبای «شعر شهادت» سروده آذر ۱۳۴۷ و شعر نو «صف گلگون شهادت» سروده آذر ۵۷ و «حماسه شهادت» سروده آبان ۵۷ همه از این قبیل هستند:

از دل خاک شهیدان گل خون می‌شکفد آتشی از شکم سرد سکون می‌شکفد
(همان: ۸۰)

۱-۵-۱۱- نکوهش و نفی جنگ: عشق به صلح و آزادی چنان در قلب و روح شاعر رخنه کرده است که با دیدن «جغد جنگ» که جز ویرانی و تباهی برای «سرزمین دارا» نتیجه‌ای ندارد؛ آن را نکوهش و نفی می‌کند؛ البته این موتیف پیش‌تر در شعر سایر شعرا، از جمله ملک‌الشعرا بهار دیده شده و آن چنان که از فحوای مقدمه‌ها و گفتارهای شفاهی او برمی‌آید، می‌توان گفت هم او، یکی از مقتدایان فرشیدورد بوده است.

گم باد گم، ز صفحه عالم نشان جنگ برکنده باد در دو جهان خان و مان جنگ
(فرشیدورد، ۱۳۸۰: ۳۳)

در کام جنگ کشور دارا خراب شد این سرزمین پاک اهورا خراب شد
(همان: ۳۵)

۱-۵-۱۲- مرثیه‌سراییی برای فقدان استادان: فرشیدورد چون استادان خود را قافله‌سالاران شرف و فضیلت می‌دانست (گم باد اندیشه‌ای که غیر این بیندیشد) در سوگ کسانی چون دکتر صدیقی، دکتر معین، دکتر مصدق، علامه همایی و ... مرثی جان‌گدازی سروده است؛ از جمله شعر «سقراط زمان رفت» در سوگ استاد دکتر صدیقی و «تا تو رفتی پشت آزادی شکست» در رثای دکتر مصدق و «پاسدار سخن» در سوگ استاد معین و...
آن یار صدیق وطن آن چشم مصدق آن چشمه زاینده و آن روح زمان رفت
(همان: ۳۷)

۱-۵-۱۳- توصیف بهار، پائیز و زمستان: توصیف بهار، پاییز و زمستان از جمله مضامین اشعار خسروست. او در این مضمون نیز مثل موتیف‌های ذکر شده موفق بوده و توانسته است اشعار زیبایی را به گنجینه ادبیات فارسی معاصر بیفزاید. غزل «پائیز، شعر زرنگار روزگار است» و شعر «پائیز، رفته‌های مرا آورد به یاد» و شعر «بهار و یار» (همان: ۴۲-۴۳) از این دست هستند که از مهم‌ترین عناصر جاری در آنها می‌توان به صداقت، صمیمیت، سادگی و سلاست، صور خیال یکدست و روان و ... اشاره کرد.

۲- بررسی تحلیلی ادبیات پایداری در اشعار فرشیدورد

۱-۲- تجلی ادبیات پایداری در آئینه اشعار فرشیدورد (قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی) در مقدمه مجموعه شعر حماسه/انقلاب، خود درباره این اشعار می‌نویسد:

«بعضی از این شعرها در دوران اختناق و انقلاب تکثیر یا چاپ شد و به دست رزم‌آوران انقلابی رسید مانند «ای شاه» و «تا لحظه آخر» و «الجزایر» و شعرهای طنزآمیز. همه این اشعار در کلاس‌ها یا محافل آزادی‌خواهان خوانده شده است. این نوشته‌ها... نعره‌هاییست از حلقوم کسی که ۲۷ سال در زیر پنجه‌های مخوف غول استبداد و اختناق و استعمار دست و پا زده است» (۱۳۵۸: ۱).

غزل «لبخند صبح» که در زمستان ۱۳۴۰ سروده شده، سرشار از امید به

پیروزی است و از پیروزی نزدیک ملت ایران خبر می‌دهد:

پرچم کلاه سرانجام پدیدار شود دور ضحاک تبه‌کار به سر خواهد شد
عاقبت خلق ستم‌دیده به پا خواهد خاست عاقبت دیو ازین خانه به در خواهد شد

(فرشیدورد، ۱۳۵۹: ۵۸)

در شعر «کیهان‌گشایان ستمگر» که در سال ۱۳۴۱ سروده شده است، به صراحت از استعمار و استبداد ستم‌شاهی سخن به میان می‌آورد که تا آن زمان هنوز برای بسیاری از شعرا به مضمون و ماده شعر تبدیل نشده است. او در این شعر از خشک شدن ریشه آزادی و بی‌عدالتی شکوه سر می‌کند:

تخم استعمار در هر گوشه‌ای افشانده‌اند شاخ استبداد در هر کشوری پرورده‌اند
ریشه آزادی و داد از جهان برکنده‌اند کاخ صلح و مردمی با خاک یکسان کرده‌اند
(همان: ۴۴)

تا سال‌ها بعد هنوز این مضمون در ذهن شاعر زنده بوده و مبارزه با استعمار در اشعار دیگر او تجلی یافته است. در شعر «تا چند باید کور و کر» که در سال ۱۳۴۹ سروده شده، همین مضمون آمده است:

تا چند باید کور و کر در بند استعمار زیست تا چند آخر می‌توان با نکبت و ادبار زیست
(همان: ۴۴)

و در همین شعر به صراحت به قیام و برخاستن دعوت می‌کند:

تا چند باید کور و کر در خواب مانی سر به سر باید به پا خیزی دگر باید دگر بیدار زیست
تا کی هراسان می‌توان در چنگ غول مست بود تا کی بدینسان می‌شود در بند استعمار زیست
در غزل استوار و زیبای «زیر سم لشکر ضحاک» سروده سال ۱۳۴۹ ناامیدی از دیدار «کاوه لشکرشکن» و «رستم و گودرز» به چشم می‌خورد:

زیر سم لشکر ضحاک پشت من شکست کاوه لشکرشکن کو شهسواران را چه شد؟
(همان: ۵۷)

همچنین در قصیده «در آغوش لجن‌زار» شاعر از وضعیت حاکم بر جامعه به شدت گله و هم‌وطنان خویش را برای قیام بر ضد حکومت دعوت می‌کند:

تا چند جواب سخن خلق گلوله است تا چند در این دوزخ خون‌بار توان زیست
برخیز برای شرف و مردمی و فخر تا چند ز هستی همه بی‌زار توان زیست
برخیز و برافکن ز جهان ریشه بیداد تا چند به زنجیر ستمکار توان زیست
(فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۶۴)

در شعر «در چاه استبداد» سروده شده در سال ۱۳۵۱ باز مضامین مبارزه با استبداد، دعوت به قیام، عدم سرسپردگی به ناکسان زمانه و ... تجلی یافته‌اند:

دیگر نباید بعد از این تسلیم هر نامرد شد
دیگر نباید بیش از این در بند هر جلاد زیست
(همان، ۴۹)

در قصیده «برف غم» سروده زمستان ۱۳۵۰ شاعر با توصیف شدت سرما و زمستان از خفقان جامعه و مشکلات بی حد و حصر مردم، ظلم و جور سلطان، فساد گسترده و ... پرده برمی‌دارد.

حکمران بنده زر و زور است
پاسببان پاسدار دزدان است
(همان، ۵۳)

در قصیده «در حصار تاریکی» که باز در زمستان همان سال سروده شده، شاعر از وضع اجتماع و از دمیده شدن سپیده سحر و ناجی عصر خسته شده است و بلند می‌سراید:

از این جماعت مسندنشین خودکامه
من از هزار یکی کاردان نمی‌بینم
جوانه‌های وفا و امید خشکیده است
به جز نهال ستم در میان نمی‌بینم
دگر بهار سفر کرده از دیار زمان
دگر به باغ جهان جز خزان نمی‌بینم
ز عدل و داد و مساوات دم مزن هرگز
که من به دهر نشانی از آن نمی‌بینم
(همان: ۵۵)

در قصیده «ساحلی دیگر» سروده سال ۱۳۵۲ شاعر به نوعی آرمان‌شهر و جامعه مدنی ایده‌آل خود را ترسیم و به صراحت از مضامین «فقر سیاه»، «ماتم نان»، «وزارت خوک»، «سلطنت دیو»، «چوپانی گرگ»، «حبس و بند و تیرباران جوانان»، «دعوت به قیام» و سایر مسائل مهم جامعه یاد می‌کند:

بیا رویم به جایی که خوک نیست وزیر
بیا رویم به آنجا که دیو سلطان نیست
بیا رویم به جایی که اهرمن خوارست
بیا رویم به آنجا که گرگ چوپان نیست...
بدان برای رهایی از این عذاب و بلا
بیا رویم از اینجا به سرزمین دگر
که حبس و بند جوانان و تیرباران نیست...
به جز قیام برای تو هیچ درمان نیست
(همان: ۵۱)

در غزل «دیار بلا» سروده سال ۱۳۵۲ آن چنان که از عنوان غزل بر می‌آید، شاعر همه را از لبه تیغ برنده کلامش می‌گذراند و با انتخاب ردیف «می‌گریزم» شدت نفرت خود را از طاغوت به نمایش می‌گذارد و حتی شخص شاه را هدف قرار می‌دهد:

من از دست این ناخدای ستمگر
در آغوش موج بلا می‌گریزم
من از چنگ چنگیز خونریز دوران
به چنگال دیو فنا می‌گریزم...

من از دست این شاه مکار خائن از این دیو مردم نما می‌گریزم
(همان: ۵۲)

در غزل «شام تلخ عاشورا» سروده سال ۱۳۵۳ شاعر ناامیدی خود را از دمیده شدن
آفتاب پیروزی به مخاطب نشان می‌دهد:
شب است تیره و غولان به پای کوبی و رقص برای کشتنشان نیزه و شهابی نیست
(فرشیدورد، ۱۳۵۹: ۸۷)

در قطعه «ای یزیدان زمان» که در زمستان سال ۱۳۵۰ سروده شده است، شاعر به
روشنی تمام از دستگاه حاکم با تعبیرات «پلیدان ستمگر»، «یزیدان زمان» یاد می‌کند و
می‌سراید:

تیرباران جوانان وطن تا کی و چند از خدا آخر و از خلق خدا شرم کنید...
در و دیوار وطن، روز و شب ای بی‌وطنان می‌کند لعنت و نفرین به شما شرم کنید
(همان: ۵۵)

غزل «شهر تقوا» که در پاییز ۱۳۵۱ سروده شده است، از نوعی یاس شاعر در
تخریب بنای ظلم خبر می‌دهد:

ای کاش می‌شد با سپاه دیو جنگید می‌شد بنای ظلم را زیر و زیر کرد
(همان: ۵۶)

همچنین غزل «چرا این زمستان بهاران ندارد» دلسردی و ملالت شاعر را از مبارزه با
شب تار نشان می‌دهد:

چرا این شب تار پایان ندارد چرا این تب تلخ درمان ندارد
(همان: ۵۷)

غزل «این شب تیره» سروده سال ۱۳۵۵ از امید به پیروزی و دمیده شدن «آفتاب
شرف و آزادی» خبر می‌دهد:

عاقبت ملت ما در این رزم همسر فتح و ظفر خواهد شد
(همان‌جا)

شعر «شقایق‌های جمعه سیاه» سروده شهریور ۵۷ به قتل و کشتار جوانان و مردم
ایران زمین به دست حکومت فاسد پهلوی در جمعه همان سال اشاره دارد. شاعر با
زیبایی و فصاحتی تمام و با زبانی آتشین و دلی سوخته و مضامین دردآور جمعه سیاه را
توصیف می‌کند و پیروزی مردم غیور ایران را نوید می‌دهد:

بر سنگفرش داغ خیابان شهر ما با خون نوشته شد ما سرزمین سرخ نیاکان خویش را آزاد می‌کنیم...
(فرشیدورد، ۱۳۵۸: ۶۲)

در شعر «سرود جنگاوران» که در آذر ۵۷ و در قالب شعر نو سروده شده، شاعر هدف و آرمان جنگاوران غیور و سلحشور ایران را توصیف کرده است و پیروزی نزدیک ملت ایران را پیش‌بینی می‌کند:

ما مرز و بوم میهن خود را ز چنگ خصم/ آزاد می‌کنیم/ ما سرزمین پاک نیاکان خویش را / آباد می‌کنیم/ ما عاقبت به غول جهان‌خوار شهر سوز/ پیروز می‌شویم... (همان: ۴۴)

در شعر «گریز دشمن» سروده آذر ۵۷ و قصیده «بزرگ‌آدمکشان فرمانده» سروده شهریور ۵۷ آشکارا از فرار شاه خائن و بدعهدی و خیانت او با ملت شریف ایران سخن به میان می‌آورد و او را مانع نیل به خوشبختی جامعه ایران می‌داند:

آنکه غارت کرد مردم را چهل سال آشکار حالیا از ترس ما دزدانه پنهان می‌رود...
خولی این سرزمین ابن زیاد این زمان ابن سعد عصر حاضر شمر دوران می‌رود
(همان: ۶۸)

در غزل «تا لحظه آخر» سروده دی ۱۳۵۷ شاعر هم‌وطنان خود را به قیام و مبارزه دعوت می‌کند:

از نوکر بیگانه و بیگانه مترسید با نوکر بیگانه و بیگانه بجنگید
تسلیم مگردید بکوشید و بجوشید تا لحظه آخر همه مردانه بجنگید
(همان: ۸۰)

در قصیده بسیار زیبای «حماسه انقلاب» شاعر نشان می‌دهد که هنوز می‌توان در بسیاری از قالب‌های کهن گذشته، برخلاف پنداشت بسیاری، حرفی برای گفتن داشت. وی ضمن توصیف و ترسیم تب و تاب حاکم بر جامعه ایران در دی ۵۷ از خواسته‌های بر حق خلق ایران یاد می‌کند:

شهر در راه کسب آزادی غرق در شور و جوش و عصیان است
(همان: ۳۷)

شعر «به خون شهیدان ایران قسم» سروده دی ۵۷ سوگندنامه‌ای است برای جان باختن و «پیکار با شمرهای زمان و سپردن راه تقوا». شاعر در این شعر چنین قسم یاد می‌کند:

به آزادی خلق کوشم همه به وجدان آزاد مردان قسم
(همان: ۴۱)

در سروده‌ای با عنوان «شعر انقلاب» که در قالب نیمایی و در بهمن ۵۷ سروده شده است، شاعر تکاپوی مردم را برای پیروزی در صبح انقلاب ترسیم و از زحمات همه اقشار جامعه قدردانی کرده است:

در صبح انقلاب / دهقان و کارگر / شاگرد و اوستاد / روحانی و ادیب / در یک صف عظیم / بی بیم پیش می‌روند (همان: ۳۵).

در قصیده ۲۶ بیتی «پیروزی» که در اسفند ۵۷ سروده شده، پیروزی ملت ایران را ترسیم کرده است:

سـرانجام غلطیـد در چاه ذلت	نگون و زبون خصم حیلنـگر ما
به زانو در آمد در این رزم دشمن	گریزان شد از خلق جنگاور ما
برون آمد از این نبرد مقدس	قرین ظفر لشگر صـفدر ما

(همان: ۵۰)

۲-۲- تجلی ادبیات پایداری در آیینه اشعار خسرو (بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی) مجموعه شعر ز میهنت دفاع کن که به رزم‌آوران دلیر ایران تقدیم شده است، در اسفند ۱۳۵۹ به چاپ رسیده و دربرگیرنده اشعاری از سال ۱۳۴۱ به بعد است. در بخش قبل به اشعاری پرداختیم که متعلق به قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بودند و در این بخش به اشعار بعد از این رویداد نظر می‌افکنیم.

در شعر «حماسه قهرمانان» سروده ۵۹/۷/۱۵ (پانزده روز بعد از آغاز جنگ تحمیلی) شاعر، قهرمانان جنگاور ایران را به مبارزه با جهان‌خواران تحریض می‌کند و با انتخاب وزنی حماسی، روحیه جهاد و مقاومت را در برابر دشمنان این مرز و بوم در آنان زنده می‌سازد:

ای قهرمانان با جهان‌خواران بجنگید با دشمن ویرانگر ایران بجنگید
(فرشیدورد، ۱۳۵۹: ۳۶)

در غزل «با شور بی‌کرانه خود جنگ می‌کنیم» سروده مهر ۱۳۵۹ شاعر دلیل جنگیدن ملت ایران را در جنگ تحمیلی با سبکی موزون و شیوا بیان می‌کند:

تا جغد شوم لانه نسازد به شهر ما در آشیان و لانه خود جنگ می‌کنیم
(همان: ۴۲)

در غزل زیبای «نسپاریم به کس یک وجب از کشور خود» سروده مهر ۱۳۵۹ شاعر از فدا کردن جان خود و سایر هم‌وطنان برای نگاهبانی از خاک میهن سخن به میان آورده است:

همه تا لحظه آخر همه جا می‌جنگیم همه گردیم فدای وطن و کشور خود
(همان: ۴۵)

در قصیده «سرباز ایران» سروده ۵۹/۸/۱۵ که به رزم‌آوران ایران تقدیم شده است، شاعر از دلاوری‌ها و حماسه‌سازی‌های سرباز شجاع ایرانی قدردانی کرده و «خون شکوفای» او را بازگرداننده «بهار سرخ آزادی» به میهن دانسته است:

بخشد بهار سرخ آزادی به میهن خون شکوفای توای سرباز ایران
(همان: ۳۸)

این قصیده که ۴۵ روز بعد از جنگ تحمیلی سروده شده است، جزء نخستین اشعار در قدردانی و تکریم سرباز ایرانی است. شاعر با مهارت خاصی ضمن تشکر از سرباز لشکر ایران و مطرح کردن رخدادهای اجتماعی در شعر خود، برای شعرای آینده مضمون‌آفرینی می‌کند. همچنین شاعر در شعر «به شیران غرآن ایران درود» که به رزم‌آوران دلیر ایران تقدیم شده و در ۵۹/۷/۲۰ سروده شده است، همین مضمون را تکرار کرده است. در شعر «سنگرنشین» که قریب به یقین نخستین تجربه شعر فارسی با اصطلاح سنگر و تفنگ و مسلسل است و در ظرف سه ماه بعد از آغاز جنگ، یعنی آذر ۵۹ سروده شده، شاعر اصطلاح «سنگرنشین» را برای سرباز ایران به کار برده است:

من آن شیر غرآن سنگر نشینم سرافراز سرباز ایران زمی‌نم
(همان: ۴۵)

همچنین در شعر «با تازیان پیکار کن» سروده مهر ۵۹ شاعر واژه‌ها و ترکیب‌های افسر سنگرنشین، مرزبان مرزها، ارتش و لشکر را به کار برده است. در قصیده «ای شهیدان» سروده ۵۹/۹/۱۵ که شاعر آن را «به دلیرانی که در جنگ با تازیان شهید شده‌اند» تقدیم کرده است، با بهره‌گیری از آیه ۱۶۹ سوره آل عمران «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» در پاسداشت و تکریم شهدای جنگ تحمیلی چنین سروده است:

خود مپندارید می‌میرید و فانی می‌شوید در رگ اسلام و در آیات قرآن زنده‌اید
(همان: ۳۷)

شاید بتوان گفت این قصیده، نخستین قصیده شعر فارسی در پاسداشت و یادکرد شهدای جنگ تحمیلی است که بعد از ۷۵ روز از آغاز جنگ سروده شده است.

شعر بسیار زیبای «ما جنگ می‌کنیم» که در قالب نیمایی و با آرایش قوافی دلخواه در آبان ۱۳۵۹ سروده شده، در برگیرنده مضامین «مبارزه تا آخرین نفس با حداقل امکانات با سرسخت‌ترین دشمنان و ...» است. می‌توان گفت این شعر نیز جزء نخستین تجربه‌های شعر نو با موضوع جنگ و دفاع مقدس است که در دو ماه بعد از آغاز جنگ تحمیلی سروده شده است. همچنین شعر «ز میهنت دفاع کن» در قالب شعر نو و با موضوع شعر فوق، اما با تقدّم زمانی (مهر ۵۹) جزء نخستین تجربه‌های دفاع مقدس در قالب شعر نو هستند. پاره‌ای از شعر زیبای «ما جنگ می‌کنیم»:

ما جنگ می‌کنیم / ما خاک را ز خون عدو رنگ می‌کنیم / آینده آن ماست / ما سوی پایتخت شهادت حسین‌وار / ما سوی مرزهای سعادت همای‌سان / بی ترس پیش می‌رویم / ما جنگ می‌کنیم (همان: ۴۰).
در غزل بسیار شیوا و زیبای «بجنگید در سنگر پایداری»، سروده آذر ۱۳۵۹ که رعایت تناسب مضمون، وزن و ردیف، به آن زیبایی و صلابت خیره‌کننده‌ای بخشیده است، شاعر با ردیف قراردادن واژه «پایداری» زمینه را برای شکل‌گیری ادبیات پایداری و ادب مقاومت آماده ساخته است:

وطن در خطر هست و بهر نجاتش نشینید در سنگر پایداری
بیوشید بر تن لباس شهادت به سر بر نهید افسر پایداری
(فرشیدورد، ۱۳۵۹: ۴۲)

۳- نتیجه

فرشیدورد متخلص به خسرو، بیشترین سابقه را در شعر انقلابی دارد؛ به گونه‌ای که قدیمی‌ترین شعر او درباره مبارزه با نظام ستم‌شاهی پهلوی به سال ۱۳۴۰ بازمی‌گردد. وی از نخستین افرادی است که واژه پایداری را بعد از پانزده روز از آغاز جنگ تحمیلی در اشعار خود به کار برده است و تنها پس از پانزده روز از آغاز جنگ تحمیلی، در پاسداشت سربازان و جنگاوران ایرانی شعر سروده و با مهارتی خاص مایه سرمشق و مضمون‌آفرینی برای شعرای بعد از خود شده است.

فرشیدورد از نخستین افرادی است که در قالب قصیده برای تکریم و قدردانی از شهدای جنگ تحمیلی شعر سروده و در قالب نو با مضمون دفاع از میهن و جنگ در برابر دشمن طبع‌آزمایی کرده است. دو شعر «ز میهنت دفاع کن» و «ما جنگ می‌کنیم» جزو نخستین اشعار فارسی با موضوع جنگ تحمیلی و دفاع از خاک ایران عزیز هستند؛ شعر نخست، در ظرف یک ماه پس از جنگ (مهر ۵۹) و شعر دوم، دو ماه پس از جنگ

(آبان ۵۹) سروده شده‌اند. او نخستین کسی است که در قالب شعر نو در «سرود جنگاوران» (آذر ۵۷) پیروزی ملت قهرمان ایران را نوید داده و در قالب قصیده ۲۶ بیتی (اسفند ۵۷) پیروزی ملت ایران را تبریک گفته است. وی از معدود کسانی است که با تجربه زندان‌های مخوف حکومت جور و ستم پهلوی، حبسیه سروده و قصیده «پر از خوشاب دیگر» را به گنجینه ادب فارسی افزوده است.

در بررسی تطبیقی شعر خسرو با شعر یک تن از شعرای شهیر دهه اول انقلاب اسلامی، یعنی سیدحسن حسینی و نیز هم‌طرازان او از قبیل نصرالله مردانی و قیصر امین‌پور، چند تفاوت عمده سبکی روی می‌نماید: ۱- استفاده فرشیدورد از زبان ساده و صمیمی و به دور از تکلف و تصنع در مقابل این دسته که زبانی ساده توأم با استفاده از خیل عناصر ادبی و صنایع و تلمیحات و استعارات دارند که شعر آن‌ها را تا برخی مواقع به جریان‌های سبک هندی نزدیک می‌سازد؛ به گونه‌ای که برخی سراینده‌گان این گروه، از قبیل سیدحسن حسینی و یوسفعلی میرشکاک تمایل و تعلق خاصی به سبک هندی و شعرای آن داشته‌اند. این نوع نگرش‌ها و گرایش‌ها مخصوصاً در دهه شصت و بر شعرای متعاقب آن تأثیرات عمیق داشته که در ساخت واژگان و ترکیباتی از قبیل «مزار مرده تصویر»^۷ و ... نمود یافته است. ۲- شعرسرایی و تداوم اشعار گروه اخیر در وقایع و حوادث مهم پس از سال ۱۳۵۹ که سال خاموشی شاعر تا سال ۱۳۸۰ است. همین موضوع موجب می‌شود نام فرشیدورد از فهرست شعرای انقلاب گم شود، و گرنه پیشتازی و طلیعه‌داری او در کاروان شعرای انقلاب با توجه به مستندات این مقاله بر همه مبرهن و مصرح است.

پی‌نوشت

- ۱- با توجه به اینکه شرح زندگی و افکار او در منابع مختلف به طور مبسوط آورده شده است، در اینجا به صورت مختصر به آن پرداخته شد. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به مقاله «زندگی و شعر دکتر خسرو فرشیدورد» تألیف پروانه ناظم‌الرعیایا و امید مجد، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با همین عنوان که در فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال پنجم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۱، شماره پی در پی ۱۸، یادنامه استاد شادروان دکتر میرخسرو فرشیدورد چاپ شده است.
- ۲- بیشتر اشعار فرشیدورد طبق این تقسیم‌بندی متعلق به پیش از دوره «جوانه‌های شعر جنگ» هستند و اندکی از اشعار او در دوره جوانه‌های شعر جنگ جای می‌گیرند. از سوی دیگر، بیشتر اشعار سیدحسن حسینی و شعرای دیگر، از قبیل نصرالله مردانی و یوسفعلی میرشکاک در «دوره‌های تجرد و بعد جنگ» قرار دارند؛ لذا از این جهت ممکن است تفاوت‌های ظاهری زیادی بین این دو دسته اشعار مشهود باشد.

- ۳- اگر ما انصاف بدهیم، اشعار فرشیدورد را باید با اشعار فصل دوم مجموعه شعر هم‌صدا/ با حلق اسماعیل، (شب سروده‌ها) مقایسه کنیم که به پیش از انقلاب اسلامی تعلق دارند. هم‌صدا/ با حلق اسماعیل، شامل شانزده شعر است که بیشتر آن‌ها در قالب شعر نو سروده شده‌اند. بیشتر این اشعار فاقد هرگونه صراحت و روشنی در مبارزه علیه حکومت جور هستند. ظاهراً مضمون اکثر آن‌ها غم نان است. تنها شعر «یادگاری» که متأسفانه تاریخ سرایش ندارد، با عبارت «بنویسیم سحر در راه است»، به ادب مقاومت نزدیک می‌شود و شعر «نفرین» سروده اردیبهشت ۵۷ به صراحت از شهیدان سخن به میان می‌آورد.
- ۴- «امام، شهید و جنگ سه درخت تناور باغستان شعر شاعران مسلمانند» (حسینی، ۱۳۶۲: ۱۵۹).
- ۵- در کتاب مضمون شهید و شهادت در ادبیات فارسی (منظوم) که مضمون شهید و شهادت را از مشروطیت تا سال ۱۳۶۸ بررسی کرده، تنها دو غزل از خسرو فرشیدورد آورده شده است (ندیم، ۱۳۸۲: ۴۲).
- ۶- این ترکیب برگرفته از خود خسرو فرشیدورد است (۱۳۸۰: ۱۲).
- ۷- بر دروازه تقدیر نتوانم نشست بر مزار مرده تصویر نتوانم نشست (میرشکاک، ۱۳۹۳: ۶)

منابع

- قرآن کریم، (۱۳۷۴)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، موسسه گسترش مطالعات و فرهنگ اسلامی.
- تندرو صالح، شاهرخ (۱۳۸۲)، ادبیات و موج نو؛ مجموعه مقالات، تهران، فرهنگسرای پایدار.
- حسینی، سیدحسن (۱۳۶۳)، هم‌صدا/ با حلق اسماعیل، حوزه هنری، تهران.
- _____ (۱۳۶۲)، «شعر انقلاب»، جنگ پنجم سوره، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۵)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، جلد سوم، تهران، پالیزان.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۸)، حماسه انقلاب، تهران، مهر.
- _____ (۱۳۵۹)، ز میهنت دفاع کن؛ همراه با مقدمه‌ای درباره رموز شعر و شاعری، تهران، مولف.
- _____ (۱۳۸۰)، صلاهی عشق، تهران، امید مجد.
- قاسمی، حسن (۱۳۸۳)، صور خیال در شعر مقاومت، تهران، فرهنگ گستر.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، تهران، پالیزان.
- میرشکاک، یوسفعلی (۱۳۹۳)، غزل با مطلع «بر دروازه تقدیر نتوانم نشست»، روزنامه خراسان، ۲۵ خرداد، ۶.
- ناظم‌الرعا، پروانه و امید مجد (زمستان ۱۳۹۱)، «زندگی و شعر دکتر خسرو فرشیدورد»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)، سال پنجم، ش ۵، شماره پی در پی ۱۸، ۱-۱۸.
- نصرالله، مردانی (۱۳۶۴)، خون نامه خاک، تهران، کیهان.
- ندیم، مصطفی (۱۳۸۲)، مضمون شهید و شهادت در ادبیات فارسی (منظوم)؛ از مشروطیت تا سال ۱۳۶۸، تهران، شاهد.